

## سرنوشت ۵ کاندیدای رقیب پزشکیان چه شد؟#۴۷؛ از گمانه‌ها بر سر پدیده انتخابات تا مبصر شدن زاکانی و حرکات زیگراگی قالیباف

در کمتر از شش ماه از روی کار آمدن دولت مسعود پزشکیان، رقبای انتخاباتی او مشغول به چه کاری هستند؟

به گزارش سایت خبری پُرسون، سقوط هلی کوپتر ابراهیم رئیسی که در جایگاه رئیس دولتی بود، در ماه‌های اول امسال، برنامه ریزی اشخاص و چهره‌های سیاسی را که برای انتخابات سال‌های آینده برنامه ریزی می‌کردند را غافلگیر کرد. با برگزاری زودهنگام انتخابات ریاست جمهوری در تیرماه ۱۴۰۳ کاندیداهایی پا به میدان گذاشتند که تعدادی از آنها در دوره‌های گذشته به عنوان بازیگر وارد میدان شده بودند.

این بازیگران یا مثل قالیباف و جلیلی نقش اول شکست خورده بودند و یا مثل بازیگران سینما یا هنرور بودند یا در بهترین حالت نقش فرعی داشتند. در سینما هنرورها هرچند ممکن است دیده نشوند اما حضورشان حتی اگر بدون دیالوگ باشد همراه با آمیدی نسبت به گرفتن نقش‌های مهمتر است.

اکنون که کمتر از شش ماه از آغاز رسمی دولت مسعود پزشکیان می‌گذرد، رقبای او مشغول چه کاری اند؟ در ادامه نگاهی به فعالیت و عملکرد پنج کاندیدای دیگر انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم در ماه‌های اخیر می‌اندازیم.

قاضی زاده؛ شاگرد آرام کلاس

در میان رقبای پزشکیان، قاضی زاده هاشمی آرام‌ترین شان است. قاضی زاده، پزشکی که در دو انتخابات گذشته ریاست جمهوری شبیه بچه درس‌خوان‌های مدرسه و دانشگاه ظاهر شده بود؛ کسی هم با او کاری نداشت و حالا هم یک گوشه نشسته و با کسی کاری ندارد. در همان انتخابات خط فکری او مشخص بود اما با وجود کاندیداهای دیگری مثل زاکانی و سعید جلیلی صدای او آنقدر شنیده نمی‌شد.

او که در دولت سیزدهم، معاون رئیسی و رئیس بنیاد شهید بود در ایام انتخابات در سخنان طعنه آمیزی گفته بود سعید جلیلی نمی‌تواند خود را ادامه دولت رئیسی بخواند. به گفته او «کسی که شهید رئیسی را آزار می‌داد، عقاید شهید رئیسی را اصلاً قبول نداشت، اخلاق ایجاد می‌کرد، حتی وقتی به همکاری دعوت شد همکاری رو نپذیرفت، حاضر نشد از خودش بگذرد و بیاد کمک کند. الان دیگر نمی‌تواند بگوید که من امتداد دولت شهید رئیسی هستم. همین مطلب نشان می‌دهد که این وسط تقلب و عدم صداقت هست!»

قاضی زاده زمانی هم که از انتخابات کنار کشید از سعید جلیلی نامی نبرد و فقط به این بسنده کرد که «برای حفظ انسجام نیروهای انقلاب» و «به درخواست مکتوب شورای عالی اجماع نیروهای انقلاب» انصراف می‌دهد. در مدتی که پزشکیان بر سر کار آمده جز یکی دو مورد موضع‌گیری خاصی نداشته است. آبان ماه در اظهار نظری گفته بود: «اگر من رئیس جمهوری شده بودم به اندازه ۱۰ برابر موشک‌هایی که اسرائیل به ایران فرستاد موشک می‌فرستادم.» این حرف با آنکه تفسیری سیاسی داشت، بیشتر به یک رجزخوانی نظامی شبیه بود و برای همین در عرصه سیاسی خیلی جدی گرفته نشد؛ چون اگر قاضی زاده ریاست جمهوری خود را ممکن می‌دانست چند روز قبل از رای‌گیری از آن کناره‌گیری نمی‌کرد.

زاکانی؛ مبصر شد یا ماند یا ...؟

زاکانی هم نسخه‌ای شبیه به قاضی زاده هاشمی است. با این تفاوت که اگر قاضی زاده مورد توجه قرار نمی‌گیرد، خودش کنار می‌رود و به کسی هم کاری ندارد. اما انگار وقتی کسی به زاکانی توجه نمی‌کند، او نمی‌تواند شلوغ کاری نکند. او چهار دوره پیاپی است که در انتخابات ریاست جمهوری ثبت نام می‌کند اما در ۹۲ و ۹۶ رخصت‌شده شد و در دوره‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۳ هم کناره‌گیری کرد. کناره‌گیری‌هایش هم برای رقبا از قبل محرز بود.

عبدالناصر همتی در مناظره‌های ۱۴۰۰ می‌گفت جواب زاکانی را نمی‌دهد، چون به تعبیر او، زاکانی سوپرپوششی بود. مسعود پزشکیان هم در پاسخ به ادبیات نامتعارف زاکانی، به پوزخند بسنده می‌کرد و می‌پرسید: «تا آخر می‌مانی؟»

پس از انتخابات پزشکیان زاکانی را به عنوان نماینده رئیس‌جمهور در مدیریت آسیب‌های اجتماعی شهر حفظ کرد. این اقدام پزشکیان شاید عجیب به نظر می‌رسید اما شاید مثل زمانی که شاگردهای شلوغ مدرسه مبصر می‌شدند تا آرامشی نسبی در کلاس وجود داشته باشد، پزشکیان هم از این کار خود هدفی داشته است.

دولت سایه یا سد راه دولت‌ها؟

اما برای سعید جلیلی در همچنان بر همان پاشنه می‌چرخد. او که از سال ۹۲ تشکیل دولت سایه داده است، اخیراً از سایه نشینی خود دفاع کرده و آن را بر «مبنای دینی» خوانده و گفته «دولت سایه یعنی مشکلات کشور را سایه به سایه دنبال کنیم. معنای امر به معروف و نهی از منکر این است.»

او که بزرگترین ارمغان آورنده تحریم ها و فشارهای بین المللی برای کشور شناخته می شود، با حضور خود در انتخابات ۱۴۰۳ به تکرار مواضع پیشین خود پرداخت. بیژن نامدار زنگنه او را متوقف کننده برجام، FATF و کرسنت خواند. حالا نیز که سخن از بررسی مجدد لوایح مرتبط با FATF در مجمع به میان آمده امیرحسین ثابتی گفته همچنان رای جلیلی منفی است.

مصطفی پورمحمدی از دیگر کاندیداهای ۱۴۰۳ در ارتباط با حل مساله FATF از جلیلی نقل قول کرده بود که جلیلی به خاطر قبول نداشتن روحانی در برابر آن ایستاده بود. اما آن طور که گفته بود بنا به روایت قاضی زاده هاشمی، جلیلی در کار دولت رئیسی هم اخلاص ایجاد می کرد.

به جز این ها جلیلی اخیرا در ارتباط با قانون حجاب که اجرای آن توسط شورای عالی امنیت ملی متوقف شد، منکر اصل ماجرا شد و با این ادعا شکل گیری شایعاتی را دامن زد. این در حالی است که نیروهای سیاسی اطراف او در تندترین اظهارات به دنبال بهانه ای برای تاختن به دولت پزشکیان بوده اند و از طرفی هم گروه های هوادار او گاه و بیگاه اعمال فشار را از طریق خیابان دنبال می کنند.

حرکت زیگزگی قالیباف در قبال دولت

محمدباقر قالیباف اما از دیگر کاندیداهای جریان اصولگرا در ۱۴۰۳ بود. او که تا مدتی به پای ثابت انتخابات تبدیل شده بود، این شانس را داشت که بعد از شکست در ۱۴۰۳ باز هم یک رئیس قوه بماند و بر همان سنگر ریاست مجلس تکیه بزند.

ضمن آن که برخی معتقدند رفتارهای جریان تندرو رفته رفته باعث شده قالیباف از این جریان فاصله بگیرد، اما گاهی نیز به طور ناگهانی به تندروها نزدیک می شود. این موضوع را می توان در جنجال های مرتبط با به کار گیری ظریف در دولت مشاهده کرد.

قالیباف که نظر مهدی فضالی درباره نظر رهبری در اصلاح قانون تابعیت قهری را تأیید کرده بود و به نوعی در برابر تندروها ایستاده بود در همان روز حضور ظریف در دولت را غیرقانونی خواند. از سوی دیگر عناصری در دولت پزشکیان به عنوان سهم قالیباف در این کابینه معرفی شده اند. قرار دادن این افراد در سمت هایی مثل وزارت ورزش و وزارت کشور صدای حامیان پزشکیان را نیز درآورد. با قرار دادن این پازل ها در کنار هم می توان فهمید تکلیف پزشکیان با افرادی مثل سعید جلیلی که موضع عیانی دارند روشن تر باشد تا قالیباف که گهگاهی با دولت همسوست و گاهی با تندروها.

پورمحمدی به کدام کرسی چشم دوخته است؟

مصطفی پورمحمدی دیگر کاندیدای انتخابات ۱۴۰۳ بود. به رغم آنکه دبیرکل جامعه روحانیت مبارز بود خود را نه قاطبی اصولگرا می کرد و نه می خواست با جریان معتدل و اصلاح طلب نزدیک باشد. اما پس از انتخابات به حمایت از دولت پزشکیان پرداخت و حتی پیش از تشکیل کابینه شایعاتی در مورد انتخاب او به عنوان وزیر کشور طرح شده بود.

محمد فاضلی در یادداشتی پورمحمدی را پدیده انتخابات خواند و نوشت: حملات تند او به سعید جلیلی و دو نامزد پوششی در مناظرات، روی دیگری از سیاست پنهان در ایران را آشکار کرد. خیلی آدمها در این چند وقت گفته اند که او می تواند تکمیل کننده خوبی در مثلث پزشکیان، قالیباف، پورمحمدی باشد. برخی معتقدند محسنی اژه ای نیز ترجیح می دهد در همکاری با این مثلث، رأس یا ضلع چهارم مربعی باشد که کشتی طوفان زده ایران را به سمت و سویی بهتر هدایت کند.

پورمحمدی در این چندماه چندین مرتبه در رسانه ها ظاهر شده و گفتگوها و حضور رسانه ای او، این گمان را به وجود می آورد که حرکات او حساب شده و برای هدف سیاسی مشخصی است. او خود اخیرا این موضوع را در مصاحبه اخیرش طرح کرده اما نگفته که مشخصا کدام کرسی را هدف گرفته است.

پورمحمدی با اشاره حضورش در انتخابات ۱۴۰۳ گفته: تحلیلیم از ابتدا این بود هرچه تلاش کنم، رأی نخواهم آورد چراکه جامعه بلوک بندی سیاسی خود را انتخاب کرده است و هرچه تلاش کنم تنها بر گرم تر شدن فضای انتخابات تأثیرگذار خواهد بود. با این شناخت از واقعیت انتخابات به مسیر ادامه دادم و باوجود اینکه دوستان اصرار کردند انصراف دهم تا آخر ماندم تا شائبه سهم خواهی پیش نیاید. معتقدم امروز یک موج گفتمانی در کشور ایجاد شده است و اگر بتوانم آن را امتداد خواهم داد.